

نویسنده: ماکس بوت، لاس انجلس تایمز  
برگردان: دکتر لعل زاد  
لندن، 28 می 2013

## موضعگیری در افغانستان

بیطرفی در انتخابات آینده ریاست جمهوری افغانستان یک ایدیال خوب، اما ناممکن است.

حامد کرزی پس از اینکه توسط یک ائتلافی به رهبری ایالات متحده نصب گردید، برای یک مدت طولانی، یعنی از پایان سال 2001 تا کنون رئیس جمهور افغانستان بوده است. او در آنزمان بحیث یک رهبر جذاب و انگلیسی دان با یک گنجینه رنگارنگ بنظر میرسید که خواهد توانست یک دولت دموکراتیک را پس از طالبان ایجاد کند.

اما کرزی امروز، حد اقل در دنیای غرب، بحیث یک شخص نامنظم (دمدمی مزاج)، غیرقابل پیش بینی و فرصت طلبی شناخته میشود که مناسبات مشکل زائی با مقامات فاسد و جنگ سالاران استفاده جو دارد. کرزی درحالیکه گامی در جهت استقرار دموکراسی بر نداشته است، ریاست یک دولت عمیقاً فاسد و استفاده جو را نیز به عهده داشت که به تجدید حیات طالبان اجازه داده است. او نه مانند جورج واشنگتن است و نه رامون مگسیسی یا الوارو یوریب (مگسیسی رهبر فلیپین در سال های 1950 بود که شورش ها را شکست داد؛ یوریب رهبر کولمبیا بود که در دهه گذشته شکست های فاحشی به شورشیان فارک وارد کرد).

اگر افغانستان نتواند یک جانشین توانا و با ظرفیت پیدا کند، غیرقابل تصور خواهد بود که این کشور بتواند دست آورد های امنیتی بدست آمده توسط سربازان امریکائی از سال 2009 را تحکیم کند. آینده افغانستان تا اندازه زیادی مربوط به نتیجه انتخابات 2014 ریاست جمهوری است - اگر فرض کنیم که چنین انتخاباتی برگزار میشود.

وقتی من در اوایل ماه می از افغانستان دیدن کردم، بدگمانی های گسترده در افغانستان وجود دارد که کرزی سخت مشتاق نگهداری قدرت بوده و شاید انتخابات را به بهانه های وضع بد امنیتی و نبودن شرایط مساعد برای انتخابات "آزاد و عادلانه" تا وقت نامعلومی به تعویق اندازد. این همان چیزی است که ایالات متحده نباید اجازه دهد. رئیس جمهور او باما باید این موضوع را روشن سازد که ادامه کمک های ایالات متحده مشروط به واگذاری کرزی از ریاست جمهوری است.

اگر فرض کنیم که انتخابات در زمان معین دایر نشود، ایالات متحده چه نقشی را بازی خواهد کرد؟ خرد متداول در واشنگتن اینستکه دخالت ما باید محدود به کمک مقامات افغان در تامین روند انتخابات باشد. یعنی آنچه ایالات متحده میخواهد، یک انتخابات آزاد و عادلانه است که سخنگوی دولت بارها آنرا تکرار کرده است.

این موضعگیری ایالات متحده در حالیکه ستودنی است، آیا واقع بینانه هم میباشد؟ انتخابات سال 2009 با تقلب گسترده و پرکاری صندوق ها توسط کرزی و متحدان او بدنام و خدشه دار گردید. هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر شود انتخابات 2014 متفاوت از آن باشد، آنهم با در نظر داشت اینکه شمار نیروهای 66 هزار امروزی امریکائی به 34 هزار کاهش یافته و

این نیروها نقش مشاوران را به عهده خواهند داشت، نه وظیفه نگهبانان مراکز رای گیری را. چون افغان ها بایست خودشان انتخابات را تا اندازه زیادی بطور مستقلانه انجام دهند.

سوگمندان، سابقه حکومت کابل دربرگیرنده باور و صداقت زیادی نیست، بخصوص وقتی کرزی واضح ساخت که موجودیت هیچ خارجی را در کمیسیون شکایات انتخاباتی تحمل نمیکند که یک سازمان دیدبان حیاتی بوده و در گذشته متشکل از اعضای افغان و غیرافغان بود.

کرزی حتی اگر در آخرین لحظه هم اجازه دهد که انتخابات برگزار گردد، باز هم تلاش خواهد کرد که یک جانشین دستچین و شاید هم قیوم کرزی برادرش را به پیروزی برساند تا بتواند دسته سیاسی موجود را در جای خود نگهداشته و به کرزی اجازه دهند که از پشت صحنه اعمال قدرت کند. این حالت برای افغانستان و منافع امریکا در منطقه بمثابة یک فاجعه خواهد بود.

بیطرفی در یک روند سیاسی کشور خارجی یک ایدیال زیبا است، اما این موضوع در افغانستان ناممکن است. اگر ما در همین مسیر یا موضعگیری باقی بمانیم، درواقعیت امر ما ادامه نفوذ مصیبت بار کرزی را تأیید و تصویب کرده ایم. افشای کیسه های پول نقد توسط سی آی ای (سیا) برای او، نیز کمکی نخواهد کرد.

یک گزینه بهتر شاید پذیرش یک نقش فعال سیاسی بیشتر باشد. سفیر ایالات متحده، رئیس سیا و فرمانده نظامی ایالات متحده در کابل با هماهنگی نزدیک مقامات و اشنگتن باید در مورد گزینش یک شخص مطلوب در بین تعداد زیاد نامزد های مانور کننده برای جانشینی کرزی به توافق برسند - شخصی که بهترین رهبر (یا شاید کمترین بد) برای آینده افغانستان باشد. ایالات متحده بعدا میتواند با استفاده از نفوذ خود، بشمول کیسه های پول سیا شرایط انتخاب نامزدی را فراهم سازد که بحیث یک رهبر قوی و متحد کننده، مبارزه با طالبان و مقامات فاسد حکومتی را به عهده گیرد.

دراینمورد اعتراضات آشکاری وجود دارد. اول اینکه ما سابقه خوبی در مورد گزینش نامزد های افغان نداریم - بالاخره، همین کرزی گزینش ما در سال 2001 بود. دوم اینکه تلاش های غیرماهرانه کارل ایکنبیری سفیر سابق افغانستان و ریچارد هولبروک نماینده خاص در سال 2009 برای جایگزینی کرزی نتیجه مطلوب نداده، کرزی برنده گردیده و سخت تر از گذشته برای معامله گردید.

اینها همه حقایق اند، اما ما نباید با درنظرداشت اشتباهات گذشته فلج گردیم. مقامات ایالات متحده در سال 2001 شناخت اندکی از چشم انداز سیاسی افغان ها داشتند. ما از آن بیعد سالیان زیادی را گذرانیده و با وضع آنجا آشنا گشته ایم که امیدواریم برای ما اجازه دهد این بار گزینه بهتری داشته باشیم.

مشکل سال 2009 این نبود که ایالات متحده از یک رقیب کرزی پشتیبانی کرد، بلکه این بود که آن تلاش ها محجوب و بی اثر بود. این بار لازم است ما کار بهتری انجام داده و نباید از این هراس داشته باشیم که تدابیر ما افشا میشود - زیرا پشتیبانی امریکا در بین اکثریت افغان ها، یک امر خوب پنداشته میشود. به همین علت بود که کرزی از گرفتن پول های نقد سیاه انکار نکرد.

اگر ما اقدام نکنیم، سرنوشت یا آینده را نه در اختیار مردم افغانستان، بلکه در اختیار کرزی، جنگ سالاران و یکدسته مقامات فاسد گذاشته ایم.

<http://www.latimes.com/news/opinion/commentary/la-oe-boot-afghanistan-karzai-20130528.0,833580.story>